

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال بیست و یکم، شماره ۸۳، پاییز ۱۳۹۲

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و آزادسازی تجاری بر کاهش فقر در ایران

علی اکبر سروری*، علی رضا کرباسی**، محمود دانشور کاخکی***،
حکیمه هاتف*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۱

چکیده

با توجه به اینکه کاهش فقر و نابرابری توزیع درآمد از اولویتهای مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه است، در مطالعه حاضر آثار رشد بخشهای اقتصادی و آزادسازی بر شاخصهای فقر و توزیع درآمد ارزیابی شد. به این منظور به پیروی از الگوی مطالعه ماتهو (۲۰۰۳)، تأثیر متغیرهای مختلف بر شدت فقر و ضریب جینی با استفاده از روش حداقل مربعات در دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۷ بررسی گردید. نتایج نشان می دهد که در بلند مدت آزادسازی می تواند منجر به توزیع بهتر درآمد و در نتیجه کاهش فقر شود. بخش کشاورزی از بخشهای

*عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی

مشهد

e-mail: sarvary117@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول

** دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و استاد اقتصاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه

فردوسی مشهد

بزرگ اقتصادی است و اغلب افراد فقیر در بخش کشاورزی مشغول‌اند، بنابراین رشد بخش کشاورزی و سپس افزایش درآمد در این بخش برای موفقیت سیاستهای کاهش فقر اهمیت دارد. همچنین برآوردها نشان‌دهنده اثر مثبت آزادسازی تجاری، درآمد سرانه و ارزش افزوده بخش کشاورزی بر کاهش فقر است؛ بنابراین در صورتی که کاهش فقر هدف مورد نظر سیاستمداران باشد، رشد و توسعه بخش کشاورزی نسبت به سایر بخشها و همچنین کمک به آزادسازی اقتصاد در بلندمدت می‌تواند تأثیرات مثبتی بر کاهش فقر داشته باشد.

طبقه بندی JEL: Q17، O24، I38

کلیدواژه‌ها:

کشاورزی، آزادسازی، فقر، صنعت، خدمات، ضریب جینی، رشد

مقدمه

بخش کشاورزی یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. نقش این بخش همواره در تولید ناخالص ملی و همچنین ایجاد اشتغال مهم بوده است. کاهش تولید در بخش کشاورزی از کاهش اشتغال آن کمتر است، به عبارت دیگر شدت کاربری زیادتری دارد. بخش کشاورزی وضعیت مطلوبی از لحاظ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ندارد و نتایج مطالعات بر کاربر بودن و نقش ضعیف این بخش در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دلالت دارد (قنبری و برقی، ۱۳۸۷).

در ایران سهم شاغلان بخش کشاورزی طی سالهای ۷۶ تا ۹۰ کاهش چشمگیری داشت به طوری که از ۲۵/۲ درصد در سال ۷۶ به ۱۸/۶ درصد در سال ۹۰ کاهش یافته که این کاهش در بخش شهری اتفاق افتاده است. در این دوره زمانی، سهم شاغلان بخش خدمات از ۴۳/۲ به ۴۸ درصد و سهم شاغلان بخش صنعت از ۳۱/۶ به ۳۳/۴ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، با وجود ظرفیتهای موجود در بخش کشاورزی، سهم آن در اشتغال کاهش یافته در

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

حالی که طبق اطلاعات بانک جهانی، بخش کشاورزی ایران تنها ۱۰/۲۲ درصد از ارزش افزوده کل را به خود اختصاص می‌دهد (World Bank, 2011).

این ناهمگونی بین رتبه‌بندی از لحاظ تولید، اشتغال و درآمد بیانگر آن است که سیاستهای اشتغالزایی الزاماً نمی‌تواند رشد محور و درآمدزا بوده و باعث کاهش فقر گردد. به دلیل اینکه اکثر روستاییان، کشاورز می‌باشند و با استفاده از درآمد حاصل از فروش محصولات کشاورزی زندگی خود را می‌گذرانند، بنابراین هر اتفاقی که منجر به از بین رفتن محصولات زراعی آنها شود می‌تواند روستاییان را به ورطه فقر بکشانند.

پدیده فقر که خود نشاندهنده توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت جسمی و روحی ملتها را تهدید کرده و موجب افزایش مرگ و میر، کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسانها و در نهایت تنزیل بهره‌وری اقتصادی می‌گردد (فهرستی ثانی و همکاران، ۱۳۸۶).

بدون تردید از نظر تئوریک، آزادسازی تجاری دارای منافع در رشد، اشتغال و توزیع درآمدهاست مشروط بر اینکه رقابت کامل و بازدهی ثابت نسبت به مقیاس تولید وجود داشته باشد. این فرضها با آنچه در دنیای واقعی اتفاق می‌افتد می‌تواند متفاوت باشد. ناکامل بودن بازارها موضوع بسیار معمول و متداولی است و بسیاری از شاخه‌های تولیدات صنعتی دارای ویژگی بازدهی اقتصادی‌اند؛ بنابراین با وجود شکست بازار، پیش بینی‌های نظری در دنیای واقعی اتفاق نمی‌افتد. البته شواهدی از وجود اثر مثبت میان آزادسازی تجاری و کاهش فقر نیز مشاهده شده است که از جمله آنها می‌توان به مطالعه باریت و دوروش (Barrett and Dorosh, 1996) اشاره کرد. با وجود شواهد تجربی در رد و قبول فرضیه، همچنان اثر آزادسازی تجاری بر فقر در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

ایران نیز جزو کشورهای در حال توسعه‌ای محسوب می‌شود که نیروی کار غیر ماهر روستایی در ترکیب آن وجود دارد. آگاهی و آشنایی سیاستگذاران کشور با اثرات مثبت و یا احتمالاً منفی این پدیده آنها را در اتخاذ تصمیم مناسب برای بهره‌گیری از منافع جهانی شدن و جلوگیری از نابرابری‌های دستمزدها و درآمد سرانه و در نتیجه، فقر یاری می‌رساند.

با توجه به جمعیت بالای اقشار کم درآمد در بخش کشاورزی، رشد این بخش می‌تواند به کاهش فقر کمک نماید این مقاله به دنبال تعیین تأثیر بخشهای اقتصادی در کاهش فقر می‌باشد. همچنین یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی نرخ رشد بخشهای مختلف اقتصادی آزادسازی تجاری است، اما این مسئله خود می‌تواند فقر را تحت تأثیر قرار دهد که این موضوع نیز در این مقاله بررسی خواهد شد.

قابلیت جابه‌جایی بیشتر نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی، توسعه تجارت بین‌الملل و همچنین به هم پیوستگی بازارها و گسترش ارتباطات را می‌توان به عنوان عوامل مورد تأکید جهانی شدن نام برد. آزادسازی تجارت و جهانی شدن موجب افزایش حجم مبادله کالاها و خدمات و در نتیجه افزایش جریان انتقال سرمایه بین‌المللی و در نهایت کمک به انتقال بهتر تکنولوژی می‌گردد (Nawazish, 1998). یکی از موارد مهمی که در زمان جهانی شدن و افزایش حجم تجارت باید در نظر گرفت تأثیر آن بر شاخصهای فقر و توزیع درآمد است. به اعتقاد برخی از محققان، بین آزادسازی و فقر ارتباط معنی‌داری وجود دارد. برخی از این مطالعات بر نقش مثبت جهانی شدن بر کاهش فقر تأکید دارند (Mujeri and Khandaker, 2002) و برخی نیز بر نقش منفی این آزادسازی بر کاهش فقر اشاره می‌نمایند (Greenaway et al., 2002). البته این اختلاف نظر بیشتر به دلیل استفاده از متدولوژیهای متفاوت در بررسی این موضوع می‌باشد.

با این حال به اعتقاد بیشتر اقتصاددانان در دراز مدت، اقتصادهای باز نسبت به اقتصادهای بسته تأثیر بهتری بر کاهش فقر دارند، اما ممکن است در کوتاه‌مدت آزادسازی تجارت منجر به نابرابری بیشتر در توزیع درآمد و در نتیجه فشار به قشر فقیر گردد (Winter et al., 2004). بنابراین با توجه به اینکه درصد بالایی از افراد جامعه زیر خط فقر قرار دارند (فرج‌زاده و نجفی، ۱۳۸۳)، لازم است در مورد پیامدهای آن بر فقر دقت بیشتری انجام گیرد. جایگاه تجارت خارجی در مباحث توسعه در کشورهای در حال توسعه تا جایی اهمیت یافته است که اغلب از آن به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصاد داخلی نام برده می‌شود.

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

عرب‌مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳) تحقیقی را با عنوان «برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی» انجام داده‌اند که در این تحقیق با استفاده از شاخصهای گروه FGT، شدت فقر در خانوارهای روستایی با توجه به شغل سرپرست خانوار و منطقه جغرافیایی محل سکونت محاسبه شد. نتایج این مطالعه نشان داد که گذشته از خانوارهای دارای سرپرست بیکار و از کار افتاده که در نامطلوب‌ترین وضعیت رفاهی به سر می‌برند، شدت فقر در خانوارهایی هم که سرپرست آنها به کشاورزی اشتغال دارد، بیش از سایر خانوارهای جامعه روستایی است، ضمن آنکه ساکنان منطقه شرقی کشور بیش از سایر مناطق از مشکل فقر رنج می‌برند.

شوشتریان و بخشوده (۱۳۸۶) با هدف تعیین اثر حذف دخالت‌های دولت و آزاد سازی بازار گندم در ایران بر روی رفاه اجتماعی، مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های سری زمانی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۹ و با به کارگیری مدل جزئی برای بازار گندم (شامل توابع تقاضا، عرضه و واردات گندم) و روش برآورد همجمعی مدلهای خودتوزیع گسترده (ARDL) انجام داد و کششهای قیمت عرضه و تقاضای گندم را محاسبه کرد. بر اساس نتایج به دست آمده، هرچند آزاد سازی بازار گندم ایران مخارج دولت، هزینه‌های اجتماعی و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش می‌دهد، اما هزینه‌های اجتماعی کل را افزایش می‌دهد.

بخشوده و زیبایی (۱۳۸۶) نیز مطالعه‌ای تحت با عنوان «آزادسازی تجاری کشاورزی و کاهش فقر» انجام دادند. در این مطالعه با استفاده از آخرین داده‌های مربوط به بیش از ۲۰۰ کشور در سطح جهان، توابع درآمد، فقر و آزادی اقتصادی برآورد شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، آزادی اقتصادی اثر مثبتی بر سطوح درآمد داشته و همراه با اثر ناشی از کیفیت بنیادها باعث کاهش فقر شده است. شاخصهای مورد استفاده در این مقاله در برگیرنده شاخص بنیادهای عمومی PII^۱، شاخص آزادی اقتصادی EFI^۲، شاخص آزادی تجاری TOI^۳ و

1. Public Institutions Index
2. Index of Economic Freedom
3. Trade Openness Index

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و یکم، شماره ۸۳

شاخص توسعه انسانی HDI^۱ بوده است. افزون بر این موارد، از ضریب جینی و معیار فقر سرانه نیز استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که آزادی اقتصادی به آزادی تجاری در کل اقتصاد و در بخش کشاورزی وابستگی دارد که برای کاهش فقر از نظر بنیادها، درآمد و مصرف دارای اهمیت است.

بر اساس تحقیقات ارسلان‌بد (۱۳۸۳) که به مقایسه روند تغییرات ضریب جینی بین مناطق روستایی و شهری پرداخته است، ضریب جینی توزیع درآمد در ایران در دهه ۱۳۴۰ نزدیک به ۰/۴۵ بوده و در سالهای اولیه دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ افزایش یافته و به حدود ۰/۵ رسیده که نشان‌دهنده بدتر شدن توزیع درآمد در این بازه زمانی می‌باشد. ضریب جینی از سال ۱۳۵۸ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ با فراز و فرودهایی، روند نزولی و در سالهای اخیر روند صعودی داشته است. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که ضریب جینی توزیع درآمد کل ایران و مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۶۵ کاهش یافته در حالی که ضرایب جینی توزیع درآمد ایران بین خانوارها و نیز در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۲/۳۰، ۸/۹۸ و ۳/۳۶ درصد افزایش یافته است.

لیپتون (Lipton, 1977) در مطالعه خود این‌گونه استدلال می‌کند که اکثر فقیران ساکن در نواحی روستایی، بیشتر درآمدها را از عایدی نیروی کار به دست می‌آورند. رشد کشاورزی بر پایه تکنولوژی کاربر در کشورهای در حال توسعه به کاهش فقر روستاییان در این بخش بستگی دارد که اکثر آنها کالاها و خدمات غیر تجاری تولید می‌کنند. هیزل و هدد (Hazell and Haddad, 2001) بیان می‌کنند که رشد بهره‌وری بخش کشاورزی، مزرعه‌داران و کشاورزان بی زمین را با افزایش تولید و اشتغال روبه‌رو ساخته و رشد در اقتصاد غیر مزرعه‌ای (غیر کشاورزی) روستایی و شهری را ارتقا می‌دهد. این استدلال‌ات توسط برخی مطالعات تجربی نیز تأیید می‌شود. دت و راوالیون (Datt and Ravallion, 1998) اثرات رشد عملکرد و دستمزدهای واقعی را روی فقر روستاهای هند بررسی کرده و نشان دادند که

1. Human Development Index

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

عملکرد بالاتر و افزایش دستمزد، فقر را به یک میزان کاهش می‌دهد. فن و همکاران (Fan et al., 1999) در مطالعه خود مطرح ساختند که بیشترین بازده سرمایه‌گذاری‌های عمومی در کشور هند بر افزایش بهره‌وری کشاورزی، کاهش فقر و توسعه حمل و نقل، از طریق افزایش راه روستایی و تحقیقات در بخش کشاورزی صورت می‌پذیرد.

فهرستی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در تحقیقی به بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر تأثیر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت پرداختند. در این مطالعه با بهره‌گیری از روشهای پارامتریک، سهم سرمایه‌گذاری‌های عمده زیربنایی در مناطق روستایی ایران بر فقر و توزیع درآمد روستاییان با استفاده از آمار دوره‌ای ۱۳۶۱-۱۳۸۱ برآورد گردید. بر اساس نتایج به دست آمد، فقر روستایی در سالهای مورد مطالعه کاهش یافت اما میزان نابرابری در مناطق روستایی افزایش داشته است. سرمایه‌گذاری‌های بهداشتی، برق‌رسانی آب‌رسانی سبب بهبود توزیع درآمد گردیده و احداث راه‌های روستایی و تأسیس مراکز آموزشی منجر به افزایش نابرابری در میان روستاییان شده است. به جز احداث مراکز خدمات درمانی، سایر سرمایه‌گذاری‌های مذکور اثر کاهشی بر فقر داشته‌اند.

در اغلب مطالعات فوق که در ایران انجام شده‌اند، جنبه‌های مختلف فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری مورد بررسی قرار گرفته و نحوه تغییرات آن در سالهای مختلف مشخص شده است و یا در مطالعاتی به صورت موردی برای محصولات خاص اثر آزادسازی مشخص گردیده است؛ اما تحقیق حاضر به دنبال شناخت میزان تأثیرگذاری بخشهای مختلف اقتصادی بر روی فقر و توزیع درآمد است. همچنین در این تحقیق سعی شده است (طبق سایر مطالعات نظیر: Mathur, 2003) به این پرسشها پاسخ داده شود که آیا مانند الگوی سایر کشورهای در حال توسعه، به علت وجود جمعیت بالای قشر فقیر در بخش کشاورزی، رشد بخش کشاورزی بیشتر از رشد سایر بخشها بر کاهش فقر و همچنین توزیع درآمد مؤثر بوده و یا رشد سایر بخشها تأثیر بیشتری بر کاهش فقر داشته است؟ همچنین با

توجه به اینکه در کنار رشد اقتصادی همواره آزادسازی تجاری مطرح می‌گردد، آزادسازی تجاری بر کاهش فقر و توزیع بهتر درآمد چگونه تأثیر خواهد داشت؟

روش تحقیق

در تحقیق حاضر سعی بر آن است علاوه بر سنجش اثر آزادسازی بر فقر، طبق مطالعه ماتهور (Mathur, 2003)، برخی دیگر از عوامل مؤثر بر کاهش فقر شامل نرخ رشد بخشهای مختلف اقتصادی نیز مورد مطالعه قرار گیرد. به این منظور با استفاده از وبگاه‌های بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، فائو و سازمان تجارت جهانی، از اطلاعات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار نرخ رشد کشور، مجموع واردات و صادرات بر تولید ناخالص ملی به عنوان شاخص آزادسازی تجاری و همچنین سهم ۱۰٪ فقیر به سهم ۱۰٪ ثروتمند به عنوان شاخص فقر (بر اساس مطالعه برگ و شارپ در سال ۲۰۰۹) در طی دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۷ استفاده شد.

در این تحقیق به پیروی مطالعه ماتهور (2003)، تأثیر نرخ رشد تولید ناخالص ملی، نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی، آزادسازی و نرخ رشد بخشهای مختلف اقتصادی بر شدت فقر و ضریب جینی سنجیده شد. همچنین بر پایه این مطالعه و مطالعات دلار و کرای (Dollar and Kraay, 2001) و سارل (Sarel, 1997) از رگرسیون خطی و روش OLS برای برآورد الگوها استفاده گردید. لازم به ذکر است که مدل لگاریتمی نیز برآورد شد که از نظر علامت ضرایب و معنی‌داری متغیرها مطابق تئوری نبود و در نهایت با توجه به آزمون F، مدل خطی جهت برآورد انتخاب گردید. بر این اساس مدل‌های برآوردی به صورت زیر است:

$$POVERTY = \alpha_{10} + \alpha_{11} * TO + \alpha_{12} * RGNP + \alpha_{13} * RGNP_PC + \alpha_{14} * AGRR + \alpha_{15} * INDR + \alpha_{16} * SERR$$

در این معادله تأثیر عوامل مختلفی نظیر آزادسازی تجاری (TO)، نرخ رشد تولید ناخالص ملی (RGNP)، نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی (RGNP_PC)، نرخ رشد بخشهای کشاورزی (AGRR)، صنعت (INDR) و خدمات (SERR) بر شدت فقر (POVERTY)

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین همان گونه که قبلاً اشاره شد، آزادسازی تجاری از جمع صادرات و واردات بر تولید ناخالص ملی به دست آمد. همچنین برای محاسبه شدت فقر (POVERTY) با توجه به مطالعه ازبرگ و شارپ (Osberg and Sharpe, 2009) از نسبت ۱۰٪ فقیر به ۱۰٪ ثروتمند استفاده گردید. آمار فوق از وبگاه مرکز آمار ایران^۱ به دست آمد.

در معادله دوم نیز تأثیر متغیرهای فوق بر شاخص نابرابری یعنی ضریب جینی (GINI) بررسی شد. در این معادله ضریب جینی از آمار بانک جهانی (world Bank, 2011) و سایر متغیرها از وبگاه بانک مرکزی به دست آمد. همچنین بر پایه مطالعه صامتی و فرامرزیور (۱۳۸۳) و کاظم زاده و ابونوری (۱۳۸۵)، با توجه به تأثیر جنگ بر فعالیتهای اقتصادی، از متغیر مجازی جنگ (WAR) نیز استفاده گردید.

$$\text{GINI} = \alpha_{20} + \alpha_{21} * \text{TO} + \alpha_{22} * \text{RGNP} + \alpha_{23} * \text{RGNP_PC} + \alpha_{24} * \text{AGRR} + \alpha_{25} * \text{INDR} + \alpha_{26} * \text{SERR} + \alpha_{27} * \text{WAR}$$

نتایج و بحث

با توجه به اینکه در این تحقیق برای بررسی اثر نرخ رشد بخش کشاورزی و آزادسازی بر فقر از متغیرهای سری زمانی استفاده شد، قبل از انجام هرگونه برآوردی لازم است تا ایستایی متغیرهای مورد استفاده به کمک آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) مورد آزمون قرار گیرد.

1. www.cbi.ir

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد استفاده در مدلها

| سطح معنی داری | سطح ایستایی | توضیحات | متغیر |
|------------------|----------------|-------------------------|---|
| ٪۵ | I(0) | با عرض از مبدأ | نرخ رشد تولید ناخالص ملی RGNP |
| ٪۱۰ | I(0) | بدون عرض از مبدأ و روند | آزادسازی تجاری TO |
| ٪۱ | I(0) | با عرض از مبدأ و روند | شدت فقر Poverty |
| ٪۱ | I(0) | بدون عرض از مبدأ و روند | نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی RGNP_PC |
| ٪۱ | I(0) | با عرض از مبدأ | ضریب جینی GINI |
| ٪۱ | I(0) | با عرض از مبدأ | نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی AGRR |
| ٪۱ | I(0) | با عرض از مبدأ | نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت INDR |
| ٪۵ | I(0) | بدون عرض از مبدأ و روند | نرخ رشد ارزش افزوده بخش خدمات SERR |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول فوق نشان‌دهنده ایستایی تمام متغیرهای مورد استفاده است، به این معنی که معادلاتی که با این متغیرها برآورد گردند دچار مشکل رگرسیون ساختگی نخواهند بود. در این مقاله همان گونه که گفته شد، از روش حداقل مربعات معمولی جهت انجام برآوردها استفاده شد. برپایه مطالعه دلار و کرای (Dollar and Kraay, 2001)، آزادسازی تجاری تأثیر مثبت معنی داری بر نرخ رشد تولید ناخالص ملی دارد. همچنین با توجه به مطالعه سارل (Sarel, 1997)، آزادسازی تجاری بر روی شدت فقر (Poverty) نیز تأثیر گذار است. همان گونه که در جدول ۲ نیز مشاهده می‌شود، آزادسازی منجر به کاهش شدت فقر می‌گردد. در مدل اولیه برای آزمون خود همبستگی از آزمون دوربین واتسون استفاده گردید که نشان‌دهنده خود همبستگی مرتبه اول است. همچنین آزمون خود همبستگی LM (Breusch-Godfrey) نیز نشان‌دهنده خود همبستگی مرتبه اول می‌باشد و با توجه به وجود خود همبستگی اقدام به رفع آن گردید. به این منظور از شاخص خودرگرسیون (AR) و همچنین شاخص میانگین متحرک (MA) استفاده گردید و چون روش خودرگرسیونی نتایج بهتری در رفع خود همبستگی داشت، از این شاخص جهت رفع خود همبستگی استفاده شد. برای

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

آزمون مجدد خودهمبستگی، آزمون H دورین مورد استفاده قرار گرفت و چون آماره H دورین در محدوده $1/96 < H.D < 1/96$ قرار دارد، فرض وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلاص معامله رد می شود. نتایج سایر آزمونهای تشخیص نیز در جدول ۲ مشخص شده است.

جدول ۲. نتایج بررسی عوامل مؤثر بر شدت فقر

| آماره t | خطای استاندارد | ضریب | متغیر | |
|---|----------------|----------------|---------|---------------------------------|
| ۳/۳۶ | ۶۸/۶۵ | ۳۲۰/۷۲*** | C | عرض از مبدأ |
| -۱/۸۸ | ۳۲/۹۷ | ۲۳۰/۷۲ | TO | آزادسازی تجاری |
| ۰/۹۳ | ۱۶۸۷/۵۷ | -۶۱/۹۸ | RGNP | نرخ رشد تولید ناخالص ملی |
| -۱/۰۵ | ۱۷۲۰/۴۰ | ۱۵۷۵/۲ | RGNP_PC | نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی |
| -۲/۹۱ | ۶۰/۵۲ | -۰۸۱۴/۹ | AGRR | نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی |
| ۱/۶۴ | ۹۷/۵۹ | -۱۷۶/۰۱*** | INDR | نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت |
| -۰/۷۶ | ۱۵۵/۱۱ | ۱۶۰/۴۷* | SERR | نرخ رشد ارزش افزوده بخش خدمات |
| -۲/۱۵ | ۱۴۹/۸۲ | -۱۱۷/۲۳ | TO(2) | آزادسازی تجاری (با دو وقفه) |
| ۰/۷۴ | ۰/۱۳ | ۰/۰۹۸ | AR(1) | خود رگرسیونی مرتبه اول |
| $R^2 = ۰/۸۹$ $\bar{R}^2 = ۰/۸۵$ | | $F = ۲۰/۵۵***$ | | H.D. = -۱/۲۹۷ |
| Heteroskedasticity Test (Breusch-Pagan-Godfrey) F= 3/15 [0/014] | | | | |
| Normality Test (Jarque-Bera) = 9/159 [0/010] | | | | |
| Ramsey RESET Test = 21/592 [0/000] | | | | |

مأخذ: یافته‌های تحقیق *، **، *** به ترتیب معنیداری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد

در جدول فوق تأثیر آزادسازی تجاری با وقفه نیز بر شدت فقر سنجیده شده است. با توجه به مطالعات آلن و کولیبالی (Alene and Coulibaly, 2009) و همچنین تقوی و نعمتی‌زاده (۱۳۸۳)، جهت تعیین وقفه بهینه می توان از معیار R^2 و همچنین آکاییک و شوارتز

استفاده نمود. در بین تعداد وقفه‌های متفاوت مورد استفاده در مدل تعداد وقفه ۲ سال، بالاترین R^2 و همچنین بهترین نتیجه را از نظر آماره‌های آکایک (Akaike) و شوارتز (Schwarz) داشته و بر این اساس با توجه به نتایج جدول فوق، آزادسازی تجاری با وقفه دو ساله ($TO(2)$) تأثیر بیشتری بر کاهش فقر نسبت به همان سال دارد.

با توجه به نتایج فوق، گسترش آزادسازی تجاری و همچنین بالا رفتن نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی می‌تواند منجر به کاهش شدت فقر گردد. از نتایج مهم جدول فوق آن است که تأثیر آزادسازی بر کاهش فقر با گذشت زمان بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر آزادسازی به صورت تدریجی، فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر چند آزادسازی در همان دوره ممکن است تأثیر اندکی بر کاهش شدت فقر داشته باشد، اما در بلند مدت تأثیر بیشتری بر کاهش فقر خواهد داشت. از جمله عوامل دیگر تأثیرگذار بر کاهش شدت فقر، نرخ رشد بخش کشاورزی و خدمات است. همان‌گونه که مشخص است، نرخ رشد بخش کشاورزی، با توجه به اینکه بیشتر جمعیت شاغل در بخش کشاورزی افراد کم درآمد هستند، بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر دارد.

در معادله برآورد شده دوم، تأثیر متغیرهای مورد بررسی بر روی شاخص نابرابری توزیع درآمد یعنی شاخص جینی سنجیده شد. در این تصریح نیز آزمونهای تشخیص در جدول ۳ ارائه گردیده است. در این معادله نیز با توجه به اینکه برای رفع خودهمبستگی از دستور $AR(1)$ استفاده شد. برای بررسی خودهمبستگی از آزمون H دوربین استفاده گردید و با توجه به اینکه H دوربین در محدوده $1/96 < H.D < 1/96 -$ قرار دارد، فرض وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلاص معامله رد شد.

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

جدول ۳. بررسی عوامل مؤثر بر ضریب جینی

| متغیر | ضریب | خطای استاندارد | آماره t |
|--|----------|------------------|--------------------|
| عرض از مبدأ | ۰/۴۱*** | ۰/۰۱۹ | ۲۱/۴۴ |
| نرخ رشد تولید ناخالص ملی | ۱/۸۹*** | ۰/۴۹ | ۳/۸۷ |
| نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی | -۱/۸۸*** | ۰/۴۹ | -۳/۸۳ |
| آزادسازی تجاری | ۰/۵۷*** | ۰/۱۴ | -۴/۱۲ |
| نرخ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی | -۰/۰۹*** | ۰/۰۲ | -۵/۲۰ |
| نرخ رشد ارزش افزوده بخش خدمات | ۰/۲۰*** | ۰/۰۷ | ۲/۹۳ |
| نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت | ۰/۰۳ | ۰/۰۳ | ۰/۵۰ |
| آزادسازی تجاری (با دو وقفه) | -۰/۲۴** | ۰/۱۲ | -۱/۹۹ |
| نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی (با دو وقفه) | -۰/۰۹*** | ۰/۰۳ | -۲/۵۲ |
| متغیر مجازی جنگ | ۰/۲۰* | ۰/۰۱ | ۱/۵۶ |
| خود رگرسیون مرتبه اول | ۰/۰۷* | ۰/۰۴ | -۱/۷۲ |
| H.D.= ۰/۷۵ | | F = ۱۱/۳۶ [۰/۰۰] | $\bar{R}^2 = ۰/۷۲$ |
| R ² = ۰/۷۹ | | | |
| Heteroskedasticity Test (Breusch-Pagan-Godfrey) F= ۲/۰۹ [۰/۰۰۸۳] | | | |
| Normality Test (Jarque-Bera) = ۲/۴۳ [۰/۳۰] | | | |
| Ramsey RESET Test= ۱۴/۳۶ [۰/۰۰۰۲] | | | |

مأخذ: یافته‌های تحقیق *، **، *** به ترتیب معنیداری در سطح ۱۰، ۵، ۱ درصد

در معادله فوق نیز افزایش آزادسازی تجاری و نرخ رشد در آمد سرانه منجر به کاهش ضریب جینی و در نتیجه کاهش نابرابری توزیع درآمد می‌گردد. این دو شاخص در سالهای بعد نیز همچنان موجب کاهش نابرابری می‌گردند ((TO(2) و (RGNP_PC(2)؛ اما تأثیر آن نسبت به خود متغیر کاهش یافته است. به عبارت دیگر، افزایش آزادسازی تجاری و نرخ رشد درآمد سرانه مربوط به یک سال نبوده و همچنان در سالهای بعد نیز بر کاهش نابرابری مؤثر هستند.

در معادلات فوق تأثیر منفی نرخ رشد تولید ناخالص ملی (RGNP) بر فقر نشان داده شده است؛ به عبارت دیگر، بر اساس این معادله، با بالا رفتن نرخ رشد تولید ناخالص ملی نه

تنها ممکن است فقر کاهش نیابد بلکه ممکن است افزایش پیدا کند. البته معادله فوق تأثیر کوتاه مدت افزایش درآمد سرانه را بر فقر نشان می‌دهد و چون کاهش فقر علاوه بر افزایش درآمد سرانه مستلزم توزیع عادلانه درآمد نیز می‌باشد، بنابراین بالا رفتن درآمد سرانه در کوتاه مدت نمی‌تواند منجر به کاهش فقر شده بلکه به دلیل امکان توزیع نامناسب ممکن است باعث افزایش فقر نیز گردد. بر پایه سایر مطالعات در زمینه تأثیر جهانی شدن بر فقر، در مراحل ابتدایی جهانی شدن و با بالا رفتن درآمد سرانه، شاخصهای فقر به ویژه در کشورهای جهان سوم ممکن است بدتر گردد، اما در بلند مدت این شاخصها رو به بهبود خواهد گذاشت (Mathur, 2003). بر این اساس می‌توان تأثیر منفی افزایش درآمد سرانه را بر فقر توضیح داد.

شواهد تجربی روشنی در مورد جهانی شدن اقتصادهای آسیایی نظیر مالزی، سنگاپور و... وجود دارد که بر پایه آن، آزادسازی تجاری منجر به بهبود رشد اقتصادی گردیده است (Mathur, 2003). افزایش رشد اقتصادی در یک مسیر بلندمدت فقر را کاهش می‌دهد. چون اغلب فقرا در کشورهای در حال توسعه در بخش کشاورزی می‌باشند، بنابراین افزایش رشد در بخش کشاورزی از اجزای اساسی برای شروع فرایند اصلاحات موفق در این کشورها می‌باشد. در مطالعه حاضر می‌توان روابط معنی‌داری بین تغییرات در نابرابری و فقر، نابرابری درآمدها به رشد اقتصادی و آزادسازی تجاری مشاهده نمود. همچنین هرچند در کوتاه مدت ممکن است آزادسازی تجاری، نابرابری را تغییر اندکی دهد اما در بلند مدت منجر به افزایش درآمد و همچنین کاهش نابرابری خواهد شد. همان‌طور که گفته شد، با توجه به بالا بودن تعداد افراد فقیر در بخش کشاورزی کشور همان‌طور که نتایج نشان داد، افزایش نرخ رشد بخش کشاورزی نسبت به سایر بخشها تأثیر بیشتری بر کاهش فقر خواهد داشت. سیاستهای نظیر سرمایه‌گذاری‌های عمومی و زیربنایی کامل دولتی و خدمات اجتماعی در کنار سیاستهای مکمل اصلاحات ارضی می‌تواند کلید بهبود توزیع درآمد در ایران باشد.

اثر نرخ رشد بخشهای اقتصادی و

این مقاله یک چارچوب از اثرات تغییر اصلاح سیاست تجاری را بر فقر نشان می‌دهد. اثر اصلاحات تجاری بر فقر در کوتاه‌مدت به موقعیت افراد از نظر سطح مصرف و تولید (درآمد) بستگی دارد، به عبارت دیگر به این بستگی دارد که افراد در فعالیتهای قابل تجارت مشغول به کار باشند یا فعالیتهای غیر قابل تجارت. بهترین نتیجه زمانی حاصل می‌شود که افراد در بخشهای قابل صادرات شاغل باشند و کالاهای وارداتی را مصرف نمایند، چون با آزادسازی تجاری تنها بخشهایی توانایی صادرات دارند که از مزیت نسبی برخوردار باشند و در نتیجه آزادسازی امکان رقابت بهتر و توسعه در این بخشها وجود دارد و افراد شاغل در این بخشها از منفعت آن بهره‌مند خواهند شد چرا که کشور در تولید کالایی که وارد می‌شود، مزیت نسبی نداشته و در نتیجه با آزادسازی، کالا با هزینه کمتری به دست مصرف‌کننده می‌رسد. البته به همین دلیل بدترین نتیجه زمانی به دست می‌آید که افراد فقیر در بخشهای وارداتی مشغول به کار باشند و کالاهای صادراتی را مصرف نمایند. اگر بازار نیروی کار وظیفه خود را به صورت کارا و مؤثر انجام دهد، اثر بلندمدت اصلاحات تجاری به نفع فقرا خواهد بود.

به طور همزمان، با رشد تولید ناخالص داخلی در کل اقتصاد، تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی با سرعت کمتری افزایش می‌یابد. ترکیب کند شدن رشد تولید در بخش کشاورزی و بدتر شدن شرایط تجارت، دلیل اصلی پایین‌تر بودن درآمدهای روستایی نسبت به درآمدهای شهری در کشورهای در حال توسعه است (Mathur, 2003). اگر رشد بخش کشاورزی به واسطه کاهش تجارت، اشاعه تکنولوژی پایین و کاهش سرمایه‌گذاری دولتی شامل سرمایه‌گذاری در زیر بخش‌های روستایی، آبیاری عمومی، جاده‌ها و انرژی و نیرو کند نشود، جهانی شدن و اصلاحات تجاری تأثیرات مثبت بیشتری خواهند داشت.

عناصر اساسی نظام تجاری مناسب شامل قابل پیش‌بینی بودن، شفافیت و یکنواختی است. یک نظام تجاری آزاد مسیر اصلاحات تجاری آتی را نیز مشخص می‌نماید. ترکیب سیاستهای تجاری با سیاستهای خرد و کلان اقتصادی مکمل برای اینکه اثر متقابل بهتری با

اقتصاد جهانی داشته باشند لازم و ضروری به نظر می‌رسند. همچنین پایداری شرایط خرد و کلان اقتصادی و یک نرخ ارز رقابتی باید فراهم گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج این تحقیق نشان داد آزادسازی تجاری هرچند ممکن است در کوتاه مدت تأثیر اندکی بر کاهش فقر و توزیع بهتر درآمد داشته باشد، اما در بلند مدت تأثیر معنی‌داری بر بهبود این دو شاخص خواهد داشت. همچنین نتایج نشان داد که در بین بخشهای اقتصادی، افزایش نرخ رشد بخش کشاورزی نسبت به سایر بخشها تأثیر بیشتری بر کاهش فقر و توزیع بهتر درآمد دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده، آزادسازی منجر به کاهش شدت فقر و همچنین نابرابری توزیع درآمد در کشور شده است، از این رو با توجه به هدف عدالت محوری که همواره دولتها به دنبال آن می‌باشند، تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌های تجاری می‌تواند قدمی مفید در این زمینه باشد. همچنین با توجه به اینکه افزایش درآمد سرانه خود منجر به کاهش فقر و نابرابری می‌گردد، توجه به افزایش تولیدات داخلی و در نتیجه بهبود درآمد سرانه دارای اهمیت فراوانی است. جهت افزایش درآمد سرانه لازم است که دولت سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی جهت سرمایه‌گذاری خصوصی انجام دهد و با توجه به اینکه بیشتر افراد کم درآمد در بخش کشاورزی مشغول می‌باشند، توجه به این بخش می‌تواند بیشتر از سایر بخشها به کاهش شدت فقر و نابرابری در توزیع درآمد کمک نماید.

در نهایت در کوتاه‌مدت برای کم کردن و کاهش جراحات ناشی از این تعدیل، ایجاد شبکه‌های کنترلی قطعاً ضروری می‌باشد. اما اگر این جراحات برای قرار گرفتن اقتصاد در مسیر رشد اقتصادی لازم می‌باشند، دولتها باید سازوکارهای مؤثری از کاهش هزینه‌ها و تجزیه و تحلیل ناسازگاری‌ها را فراهم نمایند.

۱. ارسلان‌بد، م. ر. ۱۳۸۳. تغییرات توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲(۴۵): ۱۴۱-۱۴۷.
۲. بخشوده، م. و زیبایی، م. ۱۳۸۶. آزادسازی تجاری کشاورزی و کاهش فقر: تجزیه و تحلیل بین کشوری. *مجله اقتصاد کشاورزی*، ۱(۱): ۳۵-۴۶.
۳. تقوی، م. و نعمتی‌زاده، س. ۱۳۸۳. اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۴: ۷۱-۹۵.
۴. شوشتریان، آ. و بخشوده، م. ۱۳۸۶. بررسی آزاد سازی بازار گندم بر رفاه اجتماعی در ایران. *مجله علمی کشاورزی/هواز*، ۳۰(۱): ۱-۱۴.
۵. صامتی، م. و فرامرزی‌پور، ب. ۱۳۸۳. بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲(۴۵): ۹۱-۱۱۲.
۶. فرج‌زاده، ز. و نجفی، ب. ۱۳۸۳. آثار کاهش یارانه مواد غذایی بر شاخصهای فقر. *فصلنامه بانک و کشاورزی*، ۳: ۱۷۷-۱۹۰.
۷. فهرستی ثانی، م.، صالح، ا. و سلامی، ح. ۱۳۸۶. بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر تأثیر سرمایه‌گذاریهای عمرانی دولت. ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران. مشهد.
۸. قنبری، ی. و برقی، ح. ۱۳۸۷. چالش‌های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی ایران. *نشریه راهبرد یاس*، ۱۶: ۲۱۸-۲۳۴.
۹. کاظم‌زاده، ل. و ابونوری، ع. ۱۳۸۵. برآورد تابع عرضه و تقاضای صادرات خرماي ایران با استفاده از الگوی سیستم معادلات همزمان. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۴(۵۴): ۱۰۳-۱۲۴.
۱۰. عرب‌مازار، ع. و حسینی‌نژاد، س. م. ۱۳۸۳. برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲(۴۵): ۱۱۳-۱۴۱.

11. Alene, A.D. and Coulibaly, O. 2009. The impact of agricultural research on productivity and poverty in sub-Saharan Africa. *Food Policy*, 34(2): 198-209.
12. Barrett, C.B. and Dorosh, P.A. 1996. Farmers' welfare and changing food prices: Nonparametric evidence from rice in Madagascar. *American Journal of Agricultural Economics*, 78(3):656-669.
13. Datt, G. and Ravallion, M. 1998. Farm productivity and rural poverty in India. *Journal of Development Studies*, 34(4): 62-85.
14. Dollar, D. and Kraay, A. 2001. Growth is Good for the Poor. World Bank Policy Research Working Paper. No. 2587
15. Fan, S., Hazell, P. and Thorat, S. 1999. Linkages between government spending, growth, and poverty in rural India. IFPRI research report 110. IFPRI, Washington.
16. Greenaway, D., Morgan, W. and Wright, P. 2002. Trade liberalization and growth in developing countries. *Journal of Development Economics*, 67 (1): 229-244.
17. Hazell, P. and Haddad, L. 2001. Agricultural research and poverty reduction. Food, Agriculture and Environment. Discussion Paper No. 34. IFPRI/ Technical Advisory Committee of CGIAR. Washington DC.
18. Lipton, M. 1977. Why poor people stay poor: urban bias in world development. London: Harvard University Press.

19. Mathur, S.K. 2003. Trade liberalization and the poor: a framework for poverty reduction policies with special reference to some Asian countries including India. *Indian Development Review*, vol. 1, No.2, Serial Publication, New Delhi. Revised Paper Available in Professor MS.Bhatt Edited Book Wntitled. Poverty and Food Security in India. Aakar Publications, India.
20. Mujeri, M.K. and Khandaker, B.H. 2002. Impact of macroeconomic policy reforms in Bangladesh: a general equilibrium framework for analysis, project report of International Development Research Centre (IDRC).
21. Nawazish, A. 1998. Globalization, its impact on the economies of OIC countries and the role of the private sector. *Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries*, 19 (1-2): 153-169
22. Osberg, L., Sharpe, A. 2009. New estimates of the index of economic well being for Canada and the provinces, 1981-2008. Centre for the Study of Living Standards. CSLS Research Report 2009-10, December 2009. Available at: www.csls.ca.
23. Sarel, M. 1997. How macroeconomic factors affect income distribution: the cross-country evidence. IMF Working Paper. No. 97/152.
24. Winters, S.L., McCullouch, M. and McKay, A. 2004. Trade liberalization and poverty: the evidence so far. *Journal of Economic Literature*, 42(1): 72-115.

25. www.amar.org.ir
26. www.cbi.ir
۲۷. www.worldbank.org (<http://data.worldbank.org/>,2011)

Archive of SID